

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۱۳ اپریل ۲۰۱۲

قیامت، بهشت و دوزخ

از دیدگاه ادیان بزرگ

بخش چهارم

قبلاً راجع به عرش خدا نوشته بودم. این همان عرشی است که دنباله روان و غلامان شیخک های عرب از آن به نام علم و دانش خداوندی یاد می نمایند؟؟؟ هنوز هم منتظر جواب آیت الهی – حجت الاسلامی و یا .دهن پاره اسلامی و یا هم غلام شیخک های عرب... هستم که بگویند چطور علم و دانش خداوند را هشت فرشته حمل می کنند؟؟؟؟ آیا با نافرمانی این هشت فرشته از فرمان خدا به ارتباط انتقال عرش از یک محل به محلی دیگر می توان تصور نمود که خداوند بی علم و دانش میشود؟؟؟؟؟

ممکن است این فرشتگان نا فرمانی کنند مثل شیطان؟؟؟ (در باره این فرشتگان و همچنان فرشتگانی که برای رشد نباتات، حیوانات و..... موظف اند و همچنان فرشتگان باد هائی که از شمال، جنوب، شرق و غرب می وزند و همچنان از فرشتگانی که باد های رحمتی و یا باد های غضبی می وزند فرشته های ابر های سیاه، ابر های سفید، برف و باران و..... لشکر سلطنت خداوندی و مقابله او با بندگان که به اصطلاح دینی اسلامی مخلوق خودش هستند باید جداگانه نوشت و به تحلیل گرفت چون نظر به آن روایات خداوند منحیت پادشاهان روم قدیم در مقابل مخلوق خود لشکر تهیه نموده و آماده مبارزه و مغلوب نمودن آنهاست. **بلی با انسان ها باید جنگید چون**) کسی نمی تواند بگوید که مخلوق خدا خلاف رفتاری نمی کند؟؟؟

سوره النازعات آیات ۸ تا ۱۰ و ۳۴ تا ۴۱ (دلها در آن روز ترسان شود- چشم های شان فرو رفته- می گویند: آیا ما رد شدگانیم به حالت اول - پس چون آمد بلائی مستولی بزرگ - و ظاهر گردانیده شود دوزخ برای کسی که ببیندش اما آن که زیاده روی کرد در عصیان - و بر گزیده زندگانی دنیا را- به درستی که دوزخش بود جایگاه - و اما آن که بیم داشت از مقام پروردگارش و منع کرد نفسش را از خواهش - پس به درستی که بهشت باشد جایگاهش -) آیات بیشتری می توان در این زمینه بیرون نویس و به خوانندگان ارجمند تقدیم نمود « اما تکرار در

مکرر بوده و همچو آیاتی که در باره قیامت در قرآن آمده است، نشان دهنده لحظاتی وحشتناک بوده از افتادن آسمان و بر هم خوردن زمین و راه رفتن بهشت و دوزخ صحبت می دارد و هم نشان می دهد که با دمیدن صور (پف) اسرافیل که یکی از جمله چهار ملک مقرب است، مهتاب تاریک می شود - آفتاب در هم پیچیده شده و دروازه های آسمان باز می گردد و فرشته ها از هر طرفی سرازیر می گردد ستاره ها می افتند - کوه ها راه رفته و پراکنده می شوند و ذره ذره شده و با زمین مخلوط می گردد و زمین شور خورده یعنی زلزله ای وحشتناک به وجود می آید و آنچه در درون دارد بیرون می شود - شتر های آبستن می زایند - قبر ها زیر و رو می شوند - خدا استخوانهای مردگان را جمع می کند و هم انگشت های مردگان را راست می کند (که ضرورت آن نیست) کودکان پیر می شوند و از دختران زنده به گور شده سؤال می شود و خلاصه این که انسان ها به گریز گاه می روند و آن روز برای کافران بسیار سخت است و برای بهشتی ها عیش و نوش است و هیبت این روز قیامت چنان است که فرشته ها عرش خدا را به دوش می کشند - ملایکه و روح به سوی خدا عروج می کند و آن روز عذاب و آخرالزمان که برای کافران مقدارش پنجاه هزار سال است و هشت فرشته که در آسمان هستند عرش خدارا به بالای سر شان برداشته و نگه می دارند نامه اعمال بندگان (به تشریح نامه اعمال در ابتدای این مبحث پرداخته شده است) را که فرشتگان تهیه نموده بررسی می شود آتش جهنم بر افروخته می شود و هیزمش زیاد می شود همه دلها در آن روز می ترسند می آید و حکومت الهی را بر قرار میکند

یعنی با دمیدن صور اول اسرافیل همه دنیا و موجودات زیر و زبر می شود. با صور دوم زمین هموار می گردد که هیچ نوع پستی و بلندی در آن نمی باشد-

در صور سوم همه انسان ها و موجودات زنده دنیای بر هم زده شده دو باره زنده شده و با سیما و شمایی که در دوران حیات خود در کره زمین داشتند از خاک مثل سبزه روئیده و بیرون می شوند و مردگان زنده شده جهت تعیین سرنوشت نهائی شان گروه گروه وارد صحرای محشر که محل تجمع خلایق است می شوند. و به این گویند صحرای محشر.

و صحرای محشر که از گسترش زمین به وجود آمده و آنقدر امتداد یافته است که گنجایش پذیرش همه مخلوقات را دارا می باشد.

و همه مردم با نامه اعمال خود به پیشگاه خداوند که در عرش خود نشسته و هشت فرشته آن را حمل می نمایند حاضر می شوند. گناهکار مجرم پنداشته شده و مسلمان مستحق بهشت محسوب می شود و آنها همه از پل صراط (که شرحش در بحث های قبلی رفته است) می گذرند بهشتیان از آن پلی که از مو باریک تر و از شمشیر برنده تر است می گذرند اما دو زخیان پائین به جهنم می افتند.

حال که دیدیم که قیامت شد . صحرای محشر پدید آمد . حسابات تصفیه شد و مردم از پل صراط گذشتند دوزخی ها به دوزخ رفتند و بهشتی ها به بهشت. ببینیم این بهشت و دوزخ چه نوع مکانهایی بوده و دارای کدام صفاتی است که میلیونها انسان قربانی ادیان به خاطر رفتن به بهشت چه کارهایی انجام داده و هم چه بد بخت هایی که به خاطر هیچ و پوچ نظر به عدالت خداوندی به دوزخ رفته و برای ابد در عذابند (البته در این مورد در بحث جداگانه ای زیر عنوان عدالت خداوندی تماس خواهیم گرفت) و اکنون با این مختصری که در باره قیامت گفته شد می رویم به دوزخ و بهشت.

دوزخ و بهشت از نظر زرتشت :

دین زرتشت می گوید که وقتی که قیامت می شود افراد نیکو کار و بدکار از همان محلی که مرده اند زنده می شوند

و(اینجا باید یاد آوری نمود که در دین زرتشت وقتی انسان‌ها به سن بلوغ و دانش نسبی فهم رسیدند بعد از قبول معتقدات آن دین زرتشتی می‌شود و خلاف آن اسلام از روز تولد کودکی در خانواده مسلمان حکم میدارد که او باید مسلمان و تمام مراسم دین اسلام بر او عملی شده و در جوانی و بزرگسالی او به اجبار یک مسلمان در حدود تفکر و آزادی های مطروحه اسلامی باید زندگی بدارد) مطابق کتاب اوستا در بهشت برای هر یک از تعالیم سه گانه مقام و مرتبه خاصی معین شده که در کتاب «مینوخر» از آن‌ها به نام های «هومتگاه» و «هوخنگاه و هورشتگاه» یاد شده است راجع به این سه طبقه از بهشت در فصلهای ۳-۸- و ۹ کتاب «ارداویر افنامه» چنین آمده است

اولی که جای اندیشه نیک است در **کره ستارگان و دومی در فلک ماه و سومی در فضای بلند ترین روشنائی** است. روان نیکو کار پس از طی این سه مرحله به فضای فروغ بی پایان می رسد که در اوستا «انقره رنوجه» نام دارد و به معنی روشنائی بی پایان است که بارگاه جلال اهورا یا **عرش اعظم** می باشدکه آنشرح این قصه ها در او ستا «گرومنان» و در ادبیات فارسی «گرزمان» گویند یعنی خان و مان ستایش «انگهوه هیشت» نیز که به معنی بهترین جهان و عبارت است از بهشت برین دراین مکان می باشد همانطوری که برای بهشت چهار طبقه قابل هستند که سه طبقه برای اعمال و طبقه چهارم بارگاه **اهورا مزدا** است. برای دوزخ هم چهار طبقه معین شده که سه طبقه آن مخصوص اندیشه بد، گفتار بد و کردار بد است که آن‌ها را «دزمت» و «دوزخت» و «دزورشت» می گویند. گناهکار پس از رسیدن بر **سر پل «چینوت» یا پل صراط (اقتباسی است که اسلام از دین زرتشت نموده است)** در گامهای اول به محل اندیشه و گفتار و کردار داخل می‌شود و بعد از طی این مهالک در مرحله چهارم به فضای تیرگی بی پایان که «انغرتمنگه» نام دارد در می‌آید و در آنجا مقر و مکان اهریمن است که خانمان دروغ نامیده می‌شود (نا گفته نباید گذاشت که در گاتهای اوستا به قدر زیاد از این جریانات صحبت شده و ریزه کاری های خوراک و پوشاک بهشتیان و دوزخیان تشریح شده است)

جنت و دوزخ از نظر هندوئیسم:

ابوریحان در کتاب ماللهند می نویسد: هندوان جائی را که چند نفر در آن جمع شوند «لوک» می گویند و جهان در قسمت اولیه به بالا، پائین و میانه تقسیم می‌شود. عالم بالا را «سفرلوک» نامند که بهشت است و جهان پائین را «ناک لوگ» گویند که جایگاه مار هاست و جهانی می باشد که آن را «نر لوک» نیز می نامند طبقه پائین زمینها را «پاتال» می گویند و اما جهان اوسط که ما در آن زندگی می کنیم «ماد لوگ» نامیده می‌شود و «مانش لوگ» هم می گویند که به معنی جایگاه مردم برای اکتساب خیر و شر است و جهان بالا که جایگاه ثواب کاران است و جهان اسفل محل بد کاران و محل عقاب و کیفر است. در اخبار هندوان عدد دوزخ ها بسیار زیاد است و برای هر گناهی به خصوصی یک دوزخ قایلند و در کتاب «شن پران» ۸۶ هزار دوزخ ذکر شده است. هندوان بر این باورند که «ویشنو» از اول تا آخر صاحب زمان است و تا اکنون ۹ بار به زمین آمده و زمین را پر از عدل و داد نموده و مرتبه دهم که آخر الزمان می‌شود به صورت کالکی سوار بر اسب ظهور کرده دنیا را از پلیدی‌ها و زشتیها پاک می کند و انسان‌ها جزا و پاداش کار خود را می‌بینند.

جهنم و بهشت از نظر یهود:

جهنم و دوزخ به زبان عبری «گهی نوم» می گویند و سرنوشت ارواح بد کاران در آنجا تعیین می‌شود. در کتاب مقدس تورات اسامی متعددی برای نامیدن جایگاه مجازات به کار رفته و جهنم به هفت اسم خوانده شده است:

۱- شئول، ۲- اودون که به معنی فنا و نابودی است، ۳- شحت که به معنی فساد و هلاکت است، ۴- بور شائون که به معنی چاه هلاکت است، ۵- طبط هیاوون که به معنی گل و لجن است، ۶- صلماوت به معنی سایه مرگ است، ۷- ارس هتخ تیت که به معنی زمین یا جهان زیرین می باشد. (گر فته شده از مزامیر داوود) جهنم در ۷ طبقه است و هر چه انسان شریر تر و بدکارتر باشد به همان نسبت جای او در طبقه پائینتری خواهد بود. مهمترین عنصر و عاملی که در جهنم برای شکنجه ارواح گناهگاران و شریران یافت می شود آتش است (در براخت ۵۷ ب) می گوید: نهری از آتش جاری بود که از پیش روی او بیرون می آمد. (دانیال ۷- ۱۰) این نهر آتش از عرق حیوت که دسته ای از فرشتگان آسمانی است سر چشمه می گیرد و بر سر ارواح شریران و بد کارانی که در جهنم هستند فرو می ریزد. قوم یهود بر این باور هستند که ذات قدوس متبارک ارواح شریران و بد کاران را مدت ۱۲ ماه در جهنم محاکمه و عذاب می کند ابتداء ایشان را مبتلا به خارش و جرب می کند و با آن درد عذاب شان می دهد بعد از آن ایشان را به درون آتش می فرستد و شکنجه می کند و آنها فریاد می زنند و سپس آن ها را در برف فرو می برد و با سرمای شدید معذب می کند. همچنان در (بر شیت ربا) آمده در جهان آینده ابراهیم خلیل در مدخل جهنم می نشیند و نمی گذارد که هیچ فرد یهودی که ختنه شده باشد بدانجا فرو آید. در سفر تثبیه آمده: **که خداوند خدای نو آتش سوزنده و خدای غیور است.** در ارمیا آمده است: **خداوند می فرماید مگر نه این که کلام من مثل آتش است؟** حکیگا: آتش جهنم بر ارواح گناهکاران اسرائیل تسلطی ندارد گناهکاران اسرائیل که علی رغم گناهکاری شان هنوز به اندازه دانه های انار پر از نیکو کاری هستند پس آتش جهنم بر ارواح آنها مسلط نمی شود. **راجع به بهشت:** گن عدن یا بهشت مانند جهنم هفت طبقه دارد که هفت دسته از نیکو کاران در طبقات متناسب سکنی دارند. اگر هفت طبقه گن عدن را از بالا به پائین بشماریم اسامی آنها چنین است:

۱- حضور، ۲- دربار، ۳- خانه، ۴- خیمه، ۵- کوه مقدس، ۶- کوه خداوند، ۷- مقام مقدس. در کتاب مقدس تورات از موجودی به نام (لویا تان) صحبت می کند که خداوند او را ذبح کرد و به عنوان غذا به قوم ساکن در بیابان داد. البته شرح و بسط زیادی پیرامون مهمانی خدا در بهشت داده شده است.

ادامه دارد